

## تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران: تأکید بر شاخص‌های درآمد و بیکاری

سمیرا متقی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۳۰

### چکیده

مقاله حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه‌های مهاجرتی مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه‌گرایان، عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت از کشور ایران را مورد واکاوی قرار داده و به این منظور، به مدل‌سازی رابطه میان مهاجرت و دو شاخص اصلی اقتصادی اثرگذار بر آن یعنی درآمد و بیکاری، بپردازد. به منظور به کارگیری مؤثرتر شاخص‌های مذکور، روش الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده، در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ (آخرین دوره آمار موجود مربوط به مهاجرت)، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که، شاخص‌های تولید ناخالص داخلی، بیکاری و شاخص حکمرانی خوب، از عوامل اصلی بلندمدت تأثیرگذار بر میزان مهاجرت از کشور ایران، محسوب می‌شوند. در این میان، کاهش بیکاری، افزایش تولید ناخالص داخلی و بهبود شاخص حکمرانی خوب، منجر به کاهش میزان مهاجرت از کشور ایران شده و این نتیجه مؤید نظریات مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه‌گرایان برای کشور ایران است.

**واژگان کلیدی:** مهاجرت، بیکاری، الگوی خود توضیحی با وقفه‌های گسترده.

---

۱. عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه پیام نور، گروه اقتصاد Email:samira.motaghi@gmail.com

## مقدمه

پدیده مهاجرت، عبارت است از جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر به علل و عوامل مختلف. کوتاری<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، مهاجرت را به حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای سیاسی از یک واحد جغرافیایی به واحدی دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از کشور مادر، تعریف می‌کند و آن را عاملی برای تغییر وضعیت فرد مهاجر کننده لحاظ می‌کند.

کریتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، نیز، مهاجرت را تغییر مکان اقامت معمول فرد از یک کشور به کشور دیگر، تعریف می‌کند. و به عبارتی، هر گونه تغییر مکانی که منجر به اقامت فرد در یک دوره زمانی (حداقل یک سال) شود، به مهاجرت معروف است.

این پدیده که امروزه به معضلی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شده (به ویژه در سطح مهاجران نخبه)، ریشه‌های اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مختلفی داشته و در گونه‌های مختلف، بر اساس کارکردی متفاوت صورت می‌گیرد که البته از سطوحی چند وجهی نیز برخوردار است. برای نمونه، بر اساس نظریه‌های مهاجرتی، مدل‌های جاذبه (عواملی که باعث جذب در منطقه مقصد می‌شود) و دافعه (عواملی که باعث دفع انسان‌ها از محل اسکان خود می‌شود)، که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مطرح شده و از اصلی‌ترین نظریات مربوط به مهاجرت محسوب می‌شود و نظریات بسیاری بر اساس آن پایه‌گذاری شده، در ارتباط با تأثیر عوامل مجذوب کننده و طردکننده مناطق در مهاجرت صحبت می‌کنند که این عوامل می‌توانند تمام ریشه‌های پیش گفته (اعم از اقتصادی) را در بر گیرند که توسط اندیشمندان بسیاری مورد توجه قرار گرفته است (روانشتاین<sup>۳</sup> (۱۸۸۵)). البته با وجود انتقادهایی که به این نظریات شده، این مباحث، همچنان از قدرت مانور بالایی برخوردار هستند.

کشور ایران نیز، به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه از پدیده مهاجرت در امان نبوده و افراد متعددی از این کشور، به دلایل پیش گفته به سمت کشورهای توسعه یافته سوق پیدا می‌کنند. این مهاجرت‌ها که در سطوح بالایی، مربوط به جمعیت نخبه نیز می‌شود، (وشوقی، ۱۳۹۱ و علاء‌الدینی و دیگران، ۱۳۸۴)، وضعیت کشور را با مسائل پیش روی متعددی روبرو کرده و پژوهشگران و سیاستمداران را به بحث و بررسی در این زمینه، وا می‌دارد.

از این رو تحقیق حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی (با بهره‌گیری از نظریه‌های مطرح مهاجرتی) و با کمک مدل سازی ریاضی، به بحث و بررسی پیرامون تأثیر گذاری شاخص‌های اثرگذار بر مهاجرت از کشور ایران (با تأکید بر شاخص‌های اقتصادی) پرداخته و از این حیث، علاوه بر تطبیق وضعیت مهاجرت بین‌المللی در کشور ایران با نظریات مهاجرتی، رویکردی جدید در زمینه مهاجرت از کشور ایران را مطرح

1. kotari, 2002.
2. Kritz, 2007.
3. Rvanshtayn, 1885.

کند. بر این اساس، پرسش اصلی پیش روی تحقیق حاضر این است که، مهمترین عوامل اثر گذار بر مهاجرت از کشور ایران کدام عوامل هستند؟ با این رویکرد، سازماندهی تحقیق حاضر، به شرح زیر است: بخش بعد، نظریات مربوط به علل مهاجرت از کشور را با رویکرد اقتصادی مطرح می‌کند و در این میان نظریات، کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه‌گرایان را مطرح می‌کند؛ بخش سوم، روش شناسی تحقیق را مطرح می‌کند و با استفاده از شاخص‌های اثرگذار در نظریه‌ها، مدل تحقیق را مطرح می‌کند؛ بخش چهارم به تخمین مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد و نهایتاً در بخش آخر، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تحقیق، پرداخته می‌شود.

## ۱. نظریات مربوط به علل مهاجرت با رویکرد اقتصادی

### ۱-۱. نظریات مهاجرتی کارکرد گرایان

این نظریات به نقش دولت‌ها و سیاست‌های آن‌ها در فرآیند مهاجرت اشاره می‌کند و مدل‌های جاذبه-دافعه را در این ارتباط، مؤثر می‌داند. بر اساس این نظریات، هر گونه تغییری که در جوامع صورت می‌گیرد، در جهت رسیدن به تعادل است و مهاجرت نیز چنین تغییری محسوب می‌شود.

اساس نظریات مذکور، جامعه شناسانه است اما از آنجایی که اقتصاد از زیر شاخه‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شود، شاخص‌های اقتصادی نیز به نوعی از شاخص‌های اجتماعی محسوب شده و در این راستا، انتظار می‌رود مهاجرت مردم از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا، صورت گرفته و منجر به راه اندازی جریان سرمایه شود (دی هاس ۱، ۲۰۱۰).

نظریه مهاجرتی نئو کلاسیک‌ها، مشهورترین نظریه کارکردگرایانه اقتصادی است. این نظریه، پیامد مهاجرت را با تفاوت‌های اقلیمی بیان می‌کند که به علت دیدگاه‌های فردی، عقلایی و حداکثر سازی درآمد و سود محقق می‌شود و همین عامل، منجر به تغییر مکان (مهاجرت)، از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا می‌شود که در آن فرد بهره‌ور تر و دارای دستمزد بالاتر است. برای نمونه، تودارو و هریس<sup>۲</sup> (۱۹۶۹) و تودارو<sup>۳</sup> (۱۹۷۰)، مهاجرت روستا به شهر را با یک مدل درآمد انتظاری مطرح کردند که، این مدل قابلیت گسترش به مدل‌های بزرگتر در سطح بین‌المللی را دارد.

### ۱-۲. نظریات تضاد: ساختار گرایی

برخی دیگر از نظریات مهاجرتی، نظریات نئوکلاسیک‌ها را که مباحث عقلانی و هزینه-فایده‌ای را در مهاجرت وارد می‌کنند، رد می‌کنند. این اقتصاددانان جدید که مهاجرت را بر مبنای نیروی کار (NELM<sup>۴</sup>)، مطرح می‌کنند، فرض می‌کنند که پدیده مهاجرت در شرایط فقر و با ریسک بالا، صورت

1. de Haas, 2010.

2. Todaro and Harris, 1969.

3. Todaro, 1970.

4. New economics of labour migration (NELM)

می‌گیرد و می‌تواند پاسخی برای غلبه بر پدیده شکست بازار محسوب شود (استارک، ۱۹۹۱ و استارک و بلوم، ۱۹۸۵ و تیلور، ۱۹۹۹).<sup>۱</sup>

این نظریه، تلاش می‌کند تا مهاجرت را در غیاب پدیده دستمزد توضیح دهد (که در نظریه کارکردگرایی به شدت روی آن، مانور داده می‌شود). بر اساس اصول این نظریه، نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت‌های اجتماعی در جوامع، علت اصلی مهاجرت‌ها، محسوب می‌شود (سکلدان، ۲۰۰۲ و استارک و تیلور، ۱۹۸۹).<sup>۲</sup> از این رو به نظر می‌رسد که، نظریات الهام گرفته از این نظریه برای کشورهای در حال توسعه و همچنین برای اشکال غیر کارگری مانند بحث‌های مهاجرتی پناهندگان، مفید باشد (دی هاس، ۲۰۱۰ و لیندلی، ۲۰۰۷).<sup>۳</sup> در حالی که، بسیاری این نظریه را یک فرم اصلاح شده، نظریه نئوکلاسیک می‌دانند اما برخی نیز معتقدند که این نظریه، یک نظریه تضاد ساختاری تاریخی است که بر گرفته از نظریات مارکسیست بوده و به انتقاد نئوکلاسیک‌ها پرداخته، نه تکمیل نظریات مهاجرتی.

### ۱-۳. پر کردن شکاف‌های توسعه‌ای (نظریات توسعه گرا)

ضعف نظریات مربوط به نیروی کار، نظریات مهاجرتی دیگری را مطرح کرد که به صورت کلی، عوامل اقتصادی تأثیرگذار در نظریات تضاد در کشور مبدأ مانند ساختار بازار کار، نابرابری‌های درآمدی، امنیت اجتماعی و ... را به شیوه مطرح شده در نظریات پیش گفته، نادیده می‌گیرد و بیشتر روی رابطه میان مهاجرت و فرآیندهای توسعه صحبت می‌کند (دی هاس (۲۰۰۹) و هاتون و ویلیامسون (۱۹۹۸) و ماسی (۱۹۹۱)).<sup>۴</sup>

برای نمونه، بخشی از نظریه پردازان این حیطه، ایده هایی را مطرح می‌کنند در این باب که، توسعه کشورهای مبدأ، منجر به کاهش مهاجرت بین‌المللی از این کشورها می‌شود که به نوعی توضیح دهنده نظریات "جاذبه - دافعه" و مدل‌های جاذبه است که توضیح دهنده رابطه معکوس میان سطوح مطلق و نسبی توسعه و میزان مهاجرت‌های بین‌المللی است؛ در مقابل، گروهی دیگر از نظریه پردازان این گروه، توسعه بیشتر را از عوامل مهاجرت بالاتر می‌دانند. چرا که منجر به افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی به مناطق توسعه یافته‌تر شده که با بهبود شرایط مهارتی و آموزشی مهاجران همراه است و در صورت بازگشت این مهاجران، منجر به جهش اقتصادی در کشور مبدأ می‌شود (دی هاس، ۲۰۰۹). (برای نمونه مهاجرینی که تنها به منظور تحصیل و یا آموزش‌های تخصصی در کشورهای توسعه یافته به این کشورها مهاجرت می‌کنند و پس از اتمام دوره تحصیلی به کشور خود باز می‌گردند). دی هاس، در نظریه توسعه خود در این باب، به ارتباط میان مهاجرت و توسعه جوامع پرداخته و بیان می‌کند که ارتباط این دو

1. Stark, 1991 , Stark and Bloom 1985 , Taylor, 1999.
2. Skeldon 2002 , Stark and Taylor, 1989.
3. de Hass, 2010 , Lindley, 2007.
4. De Haas, 2009 , Hatton and Williamson 1998 , Massey 1991.

مقوله، نه خطی است و نه معکوس بلکه این ارتباط، از طریق معکوس منحنی‌های J و U، نشان داده می‌شود. یعنی، در ابتدای روند توسعه، مهاجرت زیاد می‌شود و پس از این که به نقطه اشباع رسید، روند نزولی را طی می‌کند، به عبارتی پس از این مرحله، افزایش توسعه، موجب کاهش مهاجرت خواهد شد (دی هاس، ۲۰۱۰).

مهاجرت‌های یاد شده، به منظور پر کردن شکاف‌های ساختاری میان کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، انجام می‌شود و بر اساس، نظریه مذکور شکاف میان وضعیت توسعه یافتگی کشورها را پر می‌کند.

#### ۴-۱- تعیین‌کننده‌های اقتصادی و غیر اقتصادی

نظریات پیش گفته، مشخصاً بر روی تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت‌های بین‌المللی صحبت می‌کنند و این عوامل را از مشخصه‌های اصلی در اینگونه مهاجرت‌ها، بیان می‌کنند. اما واقعیت این است که عوامل اقتصادی، تنها فاکتورهای تأثیرگذار در مهاجرت‌های بین‌المللی نمی‌باشند و در کنار آنها، فاکتورهای سیاسی، اجتماعی، محیطی و ... نیز در مهاجرت‌های بین‌المللی، مؤثر می‌باشند.

#### ۲- آمار و اطلاعات و روش تحقیق

این مطالعه داده‌های مربوط به دوره زمانی ۲۰۱۰ - ۱۹۸۰ را که از شاخص‌های مربوط به بانک جهانی و شاخص‌های توسعه جهانی (World Development Indicators (WDI))، استخراج شده، مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، روش کتابخانه‌ای به منظور بررسی ادبیات موضوع و روش الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) به منظور برآورد مدل تحقیق، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه، به منظور برآورد مناسب‌تر مدل، مدل به صورت لگاریتمیک مطرح شده و از تمامی متغیرهای مدل، لگاریتم گرفته می‌شود.

#### ۲-۱- متغیرهای مدل

متغیر وابسته در این مدل، متغیر لگاریتم مهاجرت است که با LIM نشان داده می‌شود. این متغیر، توسط "سرمایه مهاجرت بین‌المللی به عنوان درصدی از کل جمعیت"، نشان داده می‌شود. در این متغیر، سرمایه مهاجرتی به عنوان تعداد افراد متولد شده در کشوری غیر از کشوری که در آن زندگی می‌کنند (در این مطالعه کشور ایران)، مطرح می‌شود.

درآمد سرانه، از متغیرهای مستقل مورد استفاده در تحقیق است که از شاخص‌های اصلی مربوط به نظریات کارکردگرایان محسوب می‌شود. در این مطالعه، این متغیر توسط LGDP، نشان داده می‌شود. نرخ بیکاری از شاخص‌های مستقل دیگر مورد استفاده است که با نماد LUN، نشان داده می‌شود.

## ۲-۱-۱- سایر متغیرها

همان طور که در مباحث مربوط به ادبیات موضوع مطرح شد، به غیر از شاخص‌های اقتصادی، تعداد زیاد دیگری از شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و ... در میزان مهاجرت افراد از کشورها تأثیر می‌گذارند. از این رو ما در این تحقیق به منظور مطرح کردن شاخص‌های مذکور با همدیگر، شاخص حکمرانی خوب<sup>۱</sup>، را که از دیدگاه بانک جهانی، شاخص‌های مشروعیت دولت، پاسخگویی دولت، شایستگی دولت، احترام به حقوق بشر و رعایت قانون را در بر می‌گیرد، به عنوان شاخص مورد نظر در تحقیق مطرح می‌کنیم.

ویژگی‌های هشت‌گانه پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، جامعیت و برابری، رضایت و توافق جمعی، تبعیت از قوانین و مقررات و کارایی و اثربخشی را پوشش داده (EPAD, 2003 و UNESCAP, 2003) و از دیدگاه دیگر، شاخص‌های مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را در بر می‌گیرد (هاتر و شاه، ۲۰۰۰).<sup>۲</sup> این شاخص به عنوان یکی از شاخص‌های مناسب مربوط به توسعه، در این تحقیق مطرح می‌شود که در تحقیق حاضر با نماد G، نشان داده شده و به منظور اندازه‌گیری آن از میانگین شاخص‌های موجود مذکور در آمار بانک جهانی استفاده شده است.

## ۲-۲- مدل مورد استفاده

بر اساس مباحث مطرح شده، مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر، به شرح زیر است:

$$LIM_t = f(LGDPT, LUN_t, G_t) \quad (1)$$

با لگاریتم‌گیری از مدل شماره ۱، مدل شماره ۲، به شکل زیر مطرح می‌شود:

$$\log IM_t = \beta_0 + \beta_1 \log GDPT + \beta_2 \log UN_t + \beta_3 \log G_t + \xi_{i,t} \quad (2)$$

## ۲-۲-۱- تخمین مدل

به منظور تخمین مناسب مدل با استفاده از روش الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)، ابتدا به بررسی مانایی این مدل با استفاده از آزمون دیکی - فولر و نرم افزار Eviews، پرداخته می‌شود (نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۱، مشاهده می‌شود). بر اساس آمار جدول ۱، مشاهده می‌شود، که برخی از متغیرهای مدل در سطح مانا بوده و برخی نیز با یک بار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند، لذا استفاده از روش تخمین ARDL و نرم‌افزار میکروفیت<sup>۳</sup> برای تخمین مدل، بلا مانع است.

1. Good Governance
2. Huther and Shah, 2000
3. Microfit

جدول ۱. خلاصه نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته

متغیر	عرض از مبدأ	روند	ADF محاسبه شده	مقدار بحرانی مکینون ۵٪	نتیجه
LIM	—	—	-۳/۵۲۳	-۲/۹۳۰	مانا
LGDP	C	—	-۳/۱۴۱	-۲/۳۰۲	مانا
LUN	C	T	-۵/۰۲۱	-۳/۹۰۳	مانا
G	C	—	-۳/۵۶۱	-۲/۰۳۴	مانا

منبع: محاسبات تحقیق

## الف: تخمین مدل با استفاده از ARDL مدل پویا (کوتاه مدت)

به منظور برآورد مدل با استفاده از الگوی ARDL، ابتدا با تعیین وقفه بهینه متغیرها بر اساس معیار شوارتز-بیزین، مدل پویا (کوتاه مدت) تخمین زده می‌شود (جدول شماره ۲). سپس به تخمین مدل بلند مدت می‌پردازیم. وقفه بهینه متغیرها بر اساس معیار مذکور، به صورت  $ARDL(1,0,1,1,0,1)$  می‌باشد.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی الگوی پویای کوتاه مدت  $ARDL(1,1,1,0)$ 

متغیر	ضرایب برآورد شده	(احتمال)
IM (-1)	۰/۱۰۲	(۰/۰۰۱)
GDP (-1)	-۰/۰۸	(۰/۰۰۱)
GDP	-۰/۱۹	(۰/۰۰۰)
UN(-1)	۰/۰۴۵	(۰/۰۰۳)
UN	۰/۲۱	(۰/۰۰۰)
G	-۰/۰۲	(۰/۰۰۰)
DW	۱/۶۸	۷/۳۰۲(۰/۰۰۰)
$R^2 = ۰/۸۹$	$\bar{R}^2 = ۰/۸۵$	$F = ۸۰/۳۴(۰/۰۰۰)$

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج مدل بیانگر آن است که یک درصد افزایش در، متغیر مهاجرت از کشور ایران در دوره گذشته، بیکاری دوره گذشته و بیکاری دوره جاری به ترتیب باعث افزایش ۰/۱۰۲، ۰/۰۴۵، ۰/۲۱ درصدی مهاجرت از کشور ایران در سال جاری می‌شود و این عامل، ناشی از اثر مثبت و تأثیرگذار متغیرهای مذکور در میزان مهاجرت از کشور ایران در دوره زمانی کوتاه مدت می‌شود.

همچنین، یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی دوره گذشته، تولید ناخالص داخلی دوره جاری و شاخص تجمیعی توسعه یافتگی (متغیر حکمرانی خوب)، به ترتیب باعث کاهش ۰/۰۸، ۰/۱۹ و ۰/۰۲ درصدی مهاجرت از کشور ایران در سال جاری می‌شود و این عامل، ناشی از اثر منفی متغیرهای مذکور در میزان مهاجرت از کشور ایران می‌شود.

آمار جدول (۲) به خوبی نشان می‌دهد که، متغیر نرخ بیکاری با ضریب ۰/۲۱، بیشترین تأثیر را بر میزان مهاجرت از کشور ایران، طی دوره زمانی کوتاه مدت دارد. در این دوره، همچنین آمار مربوط به بیکاری دوره قبل نیز، تأثیر قابل توجهی در میزان مهاجرت داشته است.

به علاوه، ضرایب منفی و معنی‌دار مربوط به تأثیر متغیر تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی دوره قبل بر مهاجرت از کشور ایران، اثرگذاری بالای شاخص‌های مطرح شده اقتصادی در میزان مهاجرت را نشان می‌دهد.

ضریب بالای  $R^2$  (۰/۸۹)، دلیلی بر قدرت توضیح‌دهندگی مدل است و نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی ۸۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. همچنین متناسب بودن ضریب دوربین واتسن (۱/۶۸)، نشانه‌ای از عدم همبستگی در متغیرهای مدل است.

آماره  $F$ ، نیز دلیلی برای معنی‌داری کل رگرسیون است و فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن همه ضرایب الگو را رد می‌کند.

### ب: برآورد مدل بلندمدت

پس از تخمین معادله کوتاه مدت ابتدا باید از وجود رابطه بلندمدت اطمینان حاصل نمود. جهت بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت از آزمون همگرایی روش بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲) استفاده می‌گردد به این صورت که در این روش اگر مجموع ضرایب متغیر وابسته کوچکتر از یک باشد، رابطه کوتاه مدت بین متغیرهای مدل به سمت تعادل بلندمدت حرکت خواهد نمود. بنابراین فرضیه صفر در این آزمون به صورت زیر خواهد بود:

$$\begin{cases} H_0: \sum_{i=1}^p \alpha_i \geq 1 \\ H_1: \sum_{i=1}^p \alpha_i < 1 \end{cases} \quad (3)$$

همان طور که مشاهده می‌شود در صورتی که فرضیه صفر قابل رد نباشد، نمی‌توان وجود رابطه بلندمدت را تایید نمود. اما اگر فرضیه صفر به نفع فرضیه مقابل قابل رد باشد، می‌توان وجود رابطه بلندمدت را پذیرفت. آماره آزمون این فرضیه به صورت زیر قابل محاسبه است:



$$(۶) \quad \frac{\sum_{i=1}^p \alpha_i - 1}{\sum_{i=1}^p S \alpha_i}$$

مقایسه آماره محاسباتی (۵/۴) با کمیت بحرانی این آزمون در سطح ۰.۹۵ درصد (۵/۲۰) جدول بنرجی و همکاران (۱۹۹۲)، فرضیه وجود رابطه بلندمدت (وجود همجمعی) بین متغیرهای مدل را تأیید می‌کند. لذا تخمین ضرایب بلندمدت مدل در جدول ۳ بدین صورت ارائه می‌شود:

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد الگوی بلند مدت مدل

متغیر	ضرایب برآورد شده	(احتمال)
UN	۰/۳۰۲	(۰/۱۰۲)
GDP	-۰/۲۲	(۰/۰۲۰)
G	-۰/۰۸۹	(۰/۰۰۰)
DW	۱/۶۲	۶/۳۲ (۰/۰۰۰)
$R^2 = ۰/۷۶$	$\bar{R}^2 = ۰/۷۲$	$F = ۶۸.۹ (۰/۰۰۰)$

منبع: محاسبات تحقیق

در بلندمدت همه متغیرها در سطح ۰.۹۵٪ معنی‌دار هستند. نتایج نشان می‌دهند که همه متغیرها علامت مطابق با تئوری داشته‌اند و دارای روابطی منطبق با مدل کوتاه مدت می‌باشند.

### ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت از کشور ایران با استفاده از روش الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL)، طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰، می‌پردازد. به این منظور، با رویکردی تحلیلی و با بهره‌گیری از تئوری‌های مربوط به مهاجرت، فاکتورهای مذکور را مورد واکاوی قرار می‌دهد نتایج حاصل از تحقیق به شرح زیر است:

الف) در بررسی عوامل اثرگذار در مهاجرت از کشور ایران، عوامل تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی دوره قبل، بیکاری، بیکاری دوره قبل و شاخص حکمرانی خوب، از عوامل تأثیرگذار در کوتاه مدت و عوامل اصلی تولید ناخالص داخلی، بیکاری و حکمرانی خوب، از شاخص‌های بلندمدت تأثیرگذار بر میزان مهاجرت از کشور ایران، محسوب می‌شوند.

ب) در میان متغیرهای اثرگذار بر میزان مهاجرت، متغیر بیکاری بیشترین تأثیر را بر این متغیر چه در کوتاه و چه در بلندمدت از خود برجای گذاشته است به صورتیکه، کشش بلندمدت میزان بیکاری در کشور ایران به میزان مهاجرت از این کشور، ۰.۳ می‌باشد که اثر مثبت افزایش بیکاری را روی افزایش مهاجرت از کشور ایران، نشان می‌دهد. عبارتی، ضریب این متغیر نشان می‌دهد که بیکاری در کشور ایران از فاکتورهای اصلی اقتصادی اثرگذار در مهاجرت از این کشور، محسوب می‌شود.

کاهش بلندمدت تولید ناخالص داخلی و شاخص حکمرانی خوب نسبت به میزان مهاجرت از کشور ایران، به ترتیب برابر ۰/۲۲- و ۰/۰۸- است که اثر منفی افزایش تولید ناخالص داخلی و حکوت داری خوب را روی افزایش مهاجرت از کشور ایران، نشان می‌دهد. ضریب این دو متغیر به خوبی گویای این مفهوم است که هر چقدر تولید ناخالص داخلی و وضعیت حکوت داری کشور ایران بهتر شود، به علت بهبود وضعیت رفاهی، میزان مهاجرت از کشور، کاهش خواهد یافت.

بر اساس نظریات مهاجرتی مطرح شده، کارکردگرایان مهاجرت را از نواحی با درآمد پایین به نواحی با درآمد بالا می‌دانند و عبارتی علت اصلی مهاجرت را ضعف درآمد می‌دانند. ساختارگرایان، نابرابری درآمدی، محرومیت‌های نسبی و امنیت‌های اجتماعی را از علل اصلی مهاجرت مطرح می‌کنند و توسعه گرایان، شاخص‌های توسعه‌ای را از علل اصلی مهاجرت مطرح می‌کنند. بنابراین و بر اساس مدل تخمین زده شده و تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی، بیکاری و شاخص حکمرانی خوب (شاخص توسعه یافتگی) بر مهاجرت از کشور ایران، مهاجرت از این کشور با هر سه نظریه مربوط به کارکردگرایان، ساختارگرایان و توسعه گرایان همخوانی دارد.

## منابع

- علاءالدینی، فرشید؛ فاطمی، رزیتا؛ رنجبران، هومن و فیض زاده، علی، (۱۳۸۴)، میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در پزشکان ایرانی، *مجله پژوهشی حکیم*، دوره هشتم، شماره سوم، صص ۹-۱۵.
- Banerjee, A., J.J. Dolado & R. Mester. (1992). **On Some Simple Test for Cointegration: The Cost of Simplicity**. Bank of Spain Working Paper, No. 9302.
- De Haas, H. (2007). Remittance, Migration and social development, **A Conceptual Review of the Literature**. United Nations Research Institute for Social Development.
- De Haas, H. (2008). **Migration and development, A theoretical perspective**. International Migration Institute (IMI).
- De Haas, H. (2010). **Migration transitions: a theoretical and empirical inquiry into the developmental drivers of international migration**.
- De Haas, H. (2011). **The determinants of international migration Conceptualizing policy, origin and destination effects**.
- Kothari, U. (2002) **Migration and Chronic Poverty; Institute for Development Policy and Management**; Working Paper, 16, 18.
- Kritz, M. M. (2007). **International migration**. In G. Ritzer, *THE BLACK WELL ENCYCLOPEDIA OF SOCIOLOGY* (Vol. volume 5). Oxford: black well publishing.
- Lee, E. S. (1966) 'A theory of migration', *Demography* 3(1): 47-57.
- Lindley, A. (2007) 'The Early Morning Phonecall: Remittances from a Refugee Diaspora Perspective', Working Paper 47, University of Oxford: Centre on Migration, Policy and Society (COMPAS).
- Mankiw, N.G., D. Romer & D.N. Weil. (1992). **A Contribution to the Empirics of Economic Growth**. *Quarterly Journal of Economics*, 107(2): 407-437.
- Skeldon, R. (2010). **Migration and development over twenty years of research: progress and prospects**. In C. Audebert, & M. Dorai, *Migration in a Globalised World, New Research Issues and Prospects*.
- Stark, O. and J. Taylor (1989) 'Relative deprivation and international migration', *Demography* 26: 1-14.

Stark, O. and J. E. Taylor (1991) '**Migration incentives, migration types: the role of relative deprivation**', *Economic Journal* 101(408): 1163–78.

Stark, O. (1991) **The Migration of Labor**, Cambridge and Oxford: Blackwell.

Stark, O. and D. E. Bloom (1985) '**The New Economics of Labor Migration.**' *American Economic Review* 75:173-78.

Taylor, J. (1999). **The New Economics of Labor Migration and the role of remittances in the migration process.** *International Migration*, Volume 37(Issue 1), 63–88.

Taylor, J., & Martin, P. (2001). **Human Capital: Migration and Rural Population Change.** In B. Gardner, & C. Gordan, *Hand book of Agricultural Economics* (Vol. Volume 1). New York: published by Elsevier Science.

Wells, E. (1983). **From Lar to Kuwait.** Retrieved from culturalsurvival: <http://www.culturalsurvival.org>

World bank. (2011). **Migration And Remittances Factbook** (2nd Edition ed.). Washington: The World Bank.

Weiner R, Mitchell G, Price M. Wits medical graduates: where are they now? *S Afr J Sci* 1998;94:59-63..

UNCTAD.2007/Statistics/Catalogue of Indicators/ Foreign direct investment. UNDP, 2007/2008. "**Human Development Report**". Oxford University Press New York.

Worldbank.2007/Data/Indicator



## The Impact of Economic Factors on Migration in Iran (Emphasis on Income and Employment Indicators)

*Samira Mottaqi*

**Received:** 21 December 2014

**Accepted:** 30 September 2015

This article examines the impact of economic factors (regardless of taking into account other factors), on migration by an analytical-descriptive approach using the theories of functionalism, structuralism and development for the Iran country. To this end, it has modeled the relationship between migration and two main influenced economic indicators on this (the income and unemployment) in Iran country. The used method in this article is ARDL method and the period is over the spanning of 1980 to 2010 (the statistics of the last period of migration in Iran). The results of this research show that: first, the variables of GDP, unemployment and good governance are the main factors affecting on the long-term migration. Furthermore the decrease of unemployment and increase GDP and good governance leading to lower rates of immigration from the Iran country, and this result confirms the theories of functionalism, structuralism and development for the country's fundamentalist of Iran country.

**JEL Classification:** N50

**Key Words:** *Migration , unemployment , ARDL.*



آسیب شناسی نشاط و پویایی علمی در مراکز علمی و دانشگاهی مطالعه ای بارویکرد پدیدارشناسی زینب محمدزاده، کیوان صالحی	۱
نقش عوامل سازمانی بر اجرای بودجه ریزی عملیاتی در راستای اجرای ماده ۲۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه محمود صفدری نهاد، غلامرضا معمارزاده، میترا عزتی	۲۷
ارزیابی فرآیند خصوصی سازی در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی) محمدحسین کریم، وحید شقاقی شهری، لیلا نصری	۴۹
تأثیر عوامل اقتصادی مهاجرت در ایران (تأکید بر شاخص های درآمد و بیکاری) سمیرا متقی	۶۳
تحلیل اثرات زیرساخت های نهادی و متغیرهای کلان اقتصادی بر تنوع صادرات ایران با استفاده از رگرسیون ریج حسین محمدی، بهزاد فکاری	۷۵
تأثیر شفافیت سود بر هزینه سرمایه و بازده اضافی (مطالعه موردی: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران) زریرنگین تاجی، افشین هاشمی گل سفیدی	۹۵
مفهوم نهاد آب و نگاهی به تجربه اصلاحات نهاد آب در سایر کشورها پرویز بیات، محمود صبوچی، احمدعلی کیخا، محمود احمدپور، عزت اله کرمی	۱۱۵

1	Pathology of Scientific Vitality and Dynamism in Scientific and Academic Centers a Phenomenology Study Zeinab Mohammadzadeh, Keyvan Salehi
27	The Role of Organizational Factors on the Implementation of the Operational Budget for the Implementation of Article 219 of the Fifth Iran Development Plan M.Safdari Nahad, GH. Memarzade, M. Ezzati
49	Assessment of the Privatization in Iran Pertaining to the General Policies of Article 44 of Constitution (Private Sector Increment) Mohammad. H. Karim, Vahid Shaghaghi, Leila Nasri
63	The Impact of Economic Factors on Migration in Iran (Emphasis on Income and Employment Indicators) Samira Mottaqi
75	Analyzing the Effect of the Institutional Infrastructure and Macroeconomic Variables on the Diversity of Iran's Exports Using Ridge Regression Hossein Mohammadi, Behzad Fakari
95	The Effect of Transparency Profit on the Capital Cost and Additional Returns (Case Study: Companies in Tehran Stock Exchange) Zarir Negintaji, Afshin Hashemi Golsefidi
115	Concept of Water Institution and Take a Look at the Experiences in Water Institutional Reforms in Different Countries P. Bayat, M. Sabuh, A. Keikha, M. Ahmadpour Borazjani, E.Karami